

تحلیل جرم آدم‌ربایی در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران

خسرو نشان^۱

محمدحسین گنجی^۲

طاهر کروشاوی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۱۲

چکیده

احترام به آزادی و نکوهش سلب آن، در حقوق بین‌الملل و قوانین کشورها از جمله قوانین موضوعه ایران مورد اجماع است. آدم‌ربایی تحت شرایطی می‌تواند به عنوان بزه بین‌المللی و جرم سیاسی مورد بررسی قرار گیرد و ربودن افراد از مصادیق جرائم علیه آزادی تن اشخاص می‌باشد. در تعریف آدم‌ربایی و مجازات آن قانون‌گذار در ماده ۶۲۱ ق.م.ا. (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) به طور دقیق به این جرم پرداخته است. هدف این پژوهش علاوه بر بررسی علل جرم‌شناختی ارتکاب این جرم و وضعیت قوانین موجود آن و همچنین بیان نظرات فقهی، به بررسی ارکان جرم آدم‌ربایی و جهات تشدید مجازات آن و همچنین تطبیق آن با جرائم مشابه می‌باشد. در نهایت به این نتیجه رسیدیم که ماده ۶۲۱ جوابگوی نیازهای حقوقی جامعه نمی‌باشد کاستی‌های فراوانی در آن مشاهده می‌شود که نیازمند بررسی جدی می‌باشد، پس می‌بایستی علاوه بر رفع ابهامات موجود توسط قانون‌گذار، با استفاده از اساتید و افراد متخصص در حوزه علم حقوق و اجتماع به بالا بردن سطح آگاهی افراد جامعه نسبت به جرم آدم‌ربایی اقدام شود. با توجه به اینکه قصد تجزیه و تحلیل عناصر تشکیل‌دهنده جرم و مسائل مرتبط با آن از دیدگاه حقوق کیفری و فقه اسلامی را داریم، روش تحقیق در این پژوهش روش توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: آدم‌ربایی، مجازات، افساد فی الأرض، گروگان‌گیری، توقیف غیرقانونی

۱. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز

neshan_kh@yahoo.com

۲. دانشیار فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز

ganji_mh@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز (نویسنده مسئول)

t_kroshavi@mscstu.scu.ac.ir

مقدمه

یکی از تعرضات علیه آزادی اشخاص، ارتکاب جرم آدم‌ربایی است که عموماً همراه با اجبار مادی، عملی، یا روانی اشخاص است. ارتکاب جرم آدم‌ربایی در گذشته کمتر بوده و همین مسأله باعث شده بود که این جرم کمتر در قوانین کشورهای داخل گردد. جرم آدم‌ربایی که امروزه وقوع آن هر چند به نسبت جرم‌های دیگر کمتر است، لیکن به دلیل بازتاب اجتماعی و اشتیاق روزنامه‌ها و رسانه‌های تصویری به پوشش خبر آن از مهم‌ترین و حتی خشن‌ترین جرم‌ها نزد عامه مردم به حساب می‌آید، که همین مسئله خود باعث ایجاد نگرانی و احساس عدم امنیت در جامعه می‌گردد. دامنه ارتکاب این جرم آنقدر وسیع و گسترده است که علاوه بر حقوق داخلی کشورها، نیاز به واکنش حقوق بین‌الملل چه در اسناد و کنوانسیون‌ها و چه در خود سازمان ملل متحد و شورای امنیت آن که قطب سازمان ملل است، دارد که البته این جرم در این نهاد بین‌المللی یک جرم ممنوع و محکوم و دارای مجازات سنگینی است^۱.

جرم آدم‌ربایی به معنای خاص آن، جرمی است که به تازگی وارد جامعه بشری شده است و شاید ظهور آن در ابتدا به صورت کودک‌ربایی بوده است، ولی بعدها شکل و ماهیت آن چه از لحاظ انگیزشی و چه از لحاظ روش و وسایل آن تغییر پیدا کرد، سپس بعد از آن جرم آدم‌ربایی شکل‌های مختلفی به خود گرفت به طوری که این جرم بر انسان‌های بالغ و با اهداف تحریک‌کننده به وقوع افتاده است. شاید بتوان گفت بعد از جرم قتل عمد، مهم‌ترین جرم علیه اشخاص جرم آدم‌ربایی است. این جرائم علاوه بر این که آزادی تن اشخاص را سلب می‌کنند، در اغلب مواقع صدمات بدنی (ضرب و جرح و قتل) و صدمات حیثیتی (ریختن آبرو، شرف و

۱. برابر بند یک ماده (۹) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاست مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل، که در سال ۱۳۵۳ به تصویب مجلس شورای ملی ایران رسیده است: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر و بازداشت کرد، از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد، مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون».

هتک ناموس) بر پیکر افراد وارد می‌کنند، صدماتی که غیر قابل جبران می‌باشند و غالباً با نوعی عنف و تهدید و اجبار یا حيله و نیرنگ با انگیزه‌های سوء همراه هستند.

اهداف نگارنده‌ی مقاله‌ی حاضر این است که با تبیین و بررسی عناصر جرم آدم‌ربایی و همچنین بررسی مواد قانونی موجود در این زمینه و تبیین دیدگاه‌های فقهی و نظرات فقها و اختلاف نظرهای موجود می‌باشد تا قوت و ضعف دیدگاه‌های موجود برای آن مشخص شود و همچنین بررسی علل و جهات تشدید مجازات جرم آدم‌ربایی که در سوای آن مهم‌ترین مسائل و موضوعات قانونی و فقهی مدنظر قرار خواهد گرفت.

۱- جرم آدم‌ربایی از دیدگاه فقهی

جرم آدم‌ربایی، جرمی است که از گذشته‌های دور به اشکال مختلف وجود داشته و قانون‌گذار اسلام نیز در مورد آن سکوت نکرده و احکامی را در مورد ربودن انسان بیان کرده است، که البته این احکام در باب‌های مختلف فقهی آمده است و عده‌ای هم کوشیده‌اند آن را تحت عناوین عام تعزیرات و فساد فی الارض قرار دهند.

۱-۱- آدم‌ربایی به عنوان سرقت

تمامی فقها اتفاق نظر دارند که شرط تحقق سرقت آن است، که موضوع سرقت، مال باشد. بنابراین سرقت انسان امکان ندارد و در نتیجه نمی‌توان مجازات سرقت را در مورد آن اجرا کرد، و از این جهت تفاوتی نمی‌کند که مجنی‌علیه کودک باشد یا بالغ باشد؛ اما اگر عبد نابالغ یا دیوانه باشد، در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد: «اگر کسی عبد نابالغ یا مجنون را بدزدد، دستش قطع می‌شود، زیرا عبد نابالغ و مجنون، مال محسوب می‌شوند و امکان سرقت آنها وجود ندارد، اما اگر کبیر و عاقل باشد، دست رباینده قطع نمی‌شود، زیرا سرقت آنها امکان ندارد و اگر کسی با زور ایشان را برآید، سرقت محسوب نمی‌شود، بلکه غضب است، مگر این‌که مجنی‌علیه خواب باشد، که در این صورت، دست سارق قطع می‌شود؛ زیرا سرقت چنین شخصی

امکان دارد» (ابن قدامه، بی تا: ۳۴) در نظریه‌ی فوق و نظریه‌های دیگر، ملاحظه می‌کنیم که ملاک اجرای سرقت، امکان و عدم امکان تحقق عنوان سرقت است و این عنوان در مواردی صدق می‌کند که آنچه ربوده می‌شود، مال باشد.

بنابراین، نباید میان صورت‌های مختلف تفاوت گذاشت؛ زیرا انسان چه خواب باشد و چه بیدار، چه کودک باشد و چه بالغ، نام انسان بر او صدق می‌کند و این تفکیک قابل انتقاد است. اما در مورد شخص دیوانه، شاید بتوان تأمل کرد، زیرا هدف ممنوعیت جرم آدم‌ربایی، تضمین آزادی تن وی می‌باشد و شخص دیوانه، از این نظر مانند شخص عاقل، مورد حمایت قانون نیست، بنابراین، ربودن شخص دیوانه نباید مجازات ربودن شخص عاقل را داشته باشد. توجیهی که بر رد این ادعا می‌توان مطرح کرد، آن است که آزادی تن، اختصاص به جسم انسان دارد و جسم انسان عاقل و غیر عاقل هم تفاوتی با هم ندارد، و به صورت یکسان در حمایت قانون می‌باشند و فقدان قوه ناطقه، تأثیری در این خصوص ندارد. البته دادگاه می‌تواند این تفاوت را ملاکی برای اعمال حداقل و حداکثر مجازات قانونی قرار دهد. (زراعت، ۱۳۸۵: ۳۵۱)

۲-۱- آدم‌ربایی به عنوان افساد فی الأرض

بسیاری از فقها به دلیلی که در بالا گفته شد، تحقق عنوان سرقت را در مورد آدم‌ربایی ممکن نمی‌دانند، اما با استناد به روایات (حرعاملی، بی تا: ۵۱۴)، مجازات سرقت را برای این جرم هم برقرار کرده‌اند و در توجیه آن به نظریه‌ی افساد فی الأرض استناد می‌جویند.

شیخ طوسی (ره) در این خصوص می‌فرماید: «هر کس انسان آزادی را بر باید و بفروشد باید دستش قطع شود، زیرا چنین شخصی مفسد فی الأرض است» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ه.ق: ۱۰۲). پس آدم‌ربایی در تقسیم‌بندی جرایم از نظر فقهی جزء جرایم تعزیری می‌باشد، زیرا جرایم حدی محصور بوده و آدم‌ربایی جزء موارد احصاء شده نیست، بنابراین احکام عمومی جرم آدم‌ربایی همان احکام عمومی بقیه جرایم است.

اطلاق ماده ۶۲۱ ق.م.ا اقتضا می‌کند که شامل مجنی‌علیه دیوانه و عاقل بشود و تفاوتی از این جهت نباشد، اما در کتب فقهی آمده که چنانچه مجنی‌علیه دیوانه باشد و ربوده شود، حکم سرقت بر او بار می‌شود. علامه حلی (ره) میان حالت فروش شخص ربوده شده و عدم آن فرق می‌گذارد و صرف ربودن را فقط مستوجب تعزیر می‌داند: «شرط موضوع سرقت، آن است که مال باشد، بنابراین اگر کسی، انسان صغیر آزاد را بر باید و بفروشد، دستش از باب حد سرقت قطع نمی‌شود، بلکه از باب افساد فی الأرض قطع می‌شود، و اگر مجنی‌علیه را بفروشد، فقط تأدیب و تعزیر می‌شود، و اگر اموالی با او باشد که به حد نصاب برسد، دست سارق قطع نمی‌شود، زیرا در تصرف مجنی‌علیه می‌باشد. اگر مجنی‌علیه شخص بالغی باشد که بر سر مال خوابیده است و به همراه مال خود ربوده شود، دست سارق قطع می‌شود و شخص مست و بی‌هوش و دیوانه نیز همین حکم را دارد» (علامه حلی، بی- تا: ۴۲۱).

شهادت ثانی (ره) حکم به قطع دست آدم‌ربا را تقبیح و نکوهش نموده، و قائل شده است، اگر آدم‌ربا را مفسد فی الأرض هم بدانیم، لازم است همان مجازات افساد فی الأرض و محاربه را که در قرآن بیان شده است، مورد حکم قرار دهیم. ایشان می‌فرماید: «حکم به قطع دست آدم‌ربا مشکل است؛ زیرا آدم‌ربا اگر مفسد باشد، لازم است که حاکم، مخیر باشد میان کشتن و قطع دست و پا و اجرای بقیه احکام افساد فی الأرض، نه این‌که تنها مجازات قطع دست را اجرا کند (شهادت ثانی، بی- تا: ۲۵۲).

۳-۱- عنوان جرم مستوجب تعزیر

قانون‌گذار شریعت اسلامی برای همه کارهای ناپسند و حرام مجازات تعیین نکرده است، بلکه تعداد محدودی از آنها مانند قتل، سرقت، شرب خمر، قذف، زنا، لواط، مساحقه، قوادی و... مورد حکم قرار گرفته‌اند و بقیه به صورت کلی به عهده حاکم گذاشته شده‌اند، که به تشخیص خود برای آنها مجازات مناسب تعیین کند. اما در مورد سایر کارهای حرام، فقها یک قاعده کلی بیان کرده‌اند که مقرر می‌دارد: «هر کس عالماً و عامداً کار حرامی انجام دهد یا واجبی را ترک کند، حاکم به مقداری که مصلحت بداند او را تعزیر می‌کند» (موسوی‌خویی، ۱۴۲۲ه.ق: ۴۰۷).

بنابراین حکم آدمربایی هم شامل این قاعده عمومی می‌باشد و حاکم می‌تواند بر حسب مصلحت جامعه، مجازات تعزیری مناسبی را برای آدمربایی برقرار کند، چنانچه بسیاری از فقها به همین صورت فتوا داده‌اند (نجفی، ۱۳۶۷: ۵۱۱).

۴-۱- آدمربایی به عنوان غصب انسان

عنوانی که در کتاب‌های فقهی برای ربودن انسان به صورت گسترده به کار می‌رود، عنوان (غصب) است؛ اما بحث‌هایی که در این زمینه شده، بیشتر در مورد مسئولیت مدنی غاصب نسبت به اجرت منافع شخص مغضوب یا تلف وی یا صدمات وارده بر وی می‌باشد، که از موضوع بحث ما خارج است (حسینی شیرازی، ۱۹۸۸م: ۶۳).

۲- جرم آدمربایی از دیدگاه حقوقی

آدمربایی، جابه‌جا کردن غافلگیرانه‌ی فرد، بدون رضایت و به عنف، حيله یا تهدید و هر نحو دیگری است (گلدوزیان، ۱۳۹۷: ۵۶). آزادی بدن هر فرد به طوری که بتواند از هر نقطه کشور به نقطه دیگر آن، مسافرت نموده یا نقل مکان دهد یا از کشور خود خارج شده، و به آن مراجعت نماید و از توقیف بدون جهت محفوظ و مصون باشد، نتیجه این آزادی، لغو بردگی، لغو بیگاری، منع توقیف و حبس بدون مجوز اشخاص است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۳۴). بنابراین آدمربایی به معنای سلب آزادی دیگری بدون رضایت او و با قصد نامشروع از طریق جابه‌جایی از محلی به محل دیگر می‌باشد. در اصطلاح قضایی نیز، آدمربایی عبارت است از ربودن و محروم کردن انسان از آزادی رفت و آمد بر خلاف میل وی و برخلاف قانون به قصد مطالبه‌ی وجه یا مال یا به قصد انتقام یا هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حلیه یا به هر نحو دیگر.

جرم آدمربایی در ماده ۶۲۱ «قانون تعزیرات» مصوب ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده است. این ماده، بنا به نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه، نسخ «قانون تشدید

مجازات ربایندگان اشخاص» مصوب سال ۱۳۵۳ است^۱ که خود ناسخ مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ «قانون مجازات عمومی» سابق بود. به موجب ماده ۶۲۱ «هر کسی به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگری شخصاً یا توسط دیگری شخصی را بر باید یا مخفی کند، به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد...»، ممکن است شخص ربوده شده طفل نوزاد باشد. ماده ۶۳۱ در این مورد بیان می‌کند: «هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد...».

۱-۲- ارکان تشکیل‌دهنده جرم آدم‌ربایی

جرم آدم‌ربایی مانند همه جرایم دارای سه رکن اساسی است. رکن قانونی جرم آدم‌ربایی که با مراجعه به قانون می‌توان آن را یافت و در مورد آن تحلیل و تفسیر نمود که البته در این باره تحلیل‌ها و تفسیرها همگی به مثابه هم و مانند یکدیگر نیست و همچنین اختلاف‌های اساسی با یکدیگر ندارد. رکن بعدی جرم آدم‌ربایی، رکن مادی است که نوع رفتار و عمل بکار گرفته شده در آدم‌ربایی را تشخیص و آن را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. و رکن سوم جرم آدم‌ربایی، رکن معنوی یا روانی جرم می‌باشد که این رکن در جرم آدم‌ربایی متضمن دو جزء سؤنیت عام و انگیزه‌ی مرتکب می‌باشد. حالا در این جا به تفکیک، همه ارکان جرم آدم‌ربایی را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱-۲-۱- رکن قانونی جرم آدم‌ربایی

در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) بیان شده است که هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را بر باید یا مخفی کند، به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. با توجه به

۱. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۶۹، مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۸ اداره حقوقی قوه قضائیه.

ماده مذکور، ماده ۱ قانون تشدید مجازات ربایندگان مصوب ۱۳۵۳ منسوخ است، زیرا که کلیه موارد و مصادیق آن توسط ماده ۶۲۱ پوشش داده شده است. لازم است ذکر شود که در موارد مربوط به این جرم، قانونگذار از عناوین مختلفی استفاده کرده است. در ماده ۳۰ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ و ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ اصطلاح آدمربایی به کار رفته، و در ماده ۶۲۱ قانون جدید از اصطلاحات «برباید» و «ربودن» استفاده شده، در ماده ۶۳۱ همان قانون، عنوان «بدزدد» مورد استفاده قرار گرفته که به نظر می‌رسد واژگان و اصطلاحات مترادفی باشند. در بعضی از این مواد، مانند ۶۲۱ و ۶۳۱ علاوه بر جرم آدمربایی، جرم اخفای دیگری نیز مورد نظر مقنن بوده که باید جرم مستقلی تلقی گردد. (آقای نی، ۱۳۸۶: ۱۷۱)

۲-۱-۲- رکن روانی جرم آدمربایی

این رکن در جرم آدمربایی متضمن دو جزء سوء نیت عام و انگیزه مرتکب می‌باشد:

۲-۱-۲-۱- سوء نیت مرتکب

آدمربایی و اخفا، هر دو از جرائم عمدی هستند، که مرتکب علاوه بر علم به موضوع جرم و وصف آن، یعنی انسان زنده، باید در انجام رفتار مجرمانه یعنی ربودن نیز عامد باشد، لذا اشتباه مرتکب در هویت بزه‌دیده موجبی برای تغییر وصف عمدی بودن و به طریق اولی وصف مجرمانه بودن، نخواهد بود. در عین حال علم و آگاهی مرتکب به عدم رضایت بزه‌دیده شرط نیست. اثبات عدم رضایت بزه‌دیده و اثبات سوءنیت عام مرتکب کافی به مقصود است. این جرم از جرایم مطلق است و لذا نیازی به سوءنیت خاص ندارد. با توجه به این که نتیجه جرم آدمربایی از عمل مرتکب منفک نیست، بنابراین سوءنیت خاص در سوءنیت عام مرتکب مستتر است و کسی که قصد ربودن کسی را دارد، در ضمن قصد سلب آزادی او را نیز دارد. (حسین جانی، ۱۳۸۲: ۲۰۳)

۲-۱-۲-۲- انگیزه و نقش آن در آدمربایی

قانون‌گذار با تصریح به «قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری» ظاهراً به ضرورت وجود انگیزه در ارتکاب آدمربایی در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی تأکید داشته است. از جمله‌ی «یا به هر منظور دیگری» در ماده مزبور نمی‌توان به نتیجه عدم ضرورت انگیزه در آدمربایی رسید، بلکه نظر مقنن از این جمله، خارج ساختن انگیزه از مصادیق حصری صدر جمله و تمثیلی نمودن آن است، لذا انگیزه، شرط لازم برای تحقق آدمربایی در ماده ۶۲۱ است و چنانچه انگیزه سوء باشد، مصداق آن مؤثر در وقوع جرم خواهد بود، لذا انگیزه تجاوز به عنف، برداشتن عضو و پیوند آن به دیگری، بدنام کردن خانواده شخص ربوده شده، ایجاد فضای فاقد امنیت در منطقه و امثال آن‌ها می‌توانند از انگیزه‌هایی باشند که جزئی از رکن معنوی جرم را تشکیل می‌دهد.^۱

۳-۱-۲- رکن مادی جرم آدمربایی

در این جا به تفکیک به دو جزء از اجزاء رکن مادی جرم آدمربایی اشاره خواهیم کرد:

۱-۳-۱- رفتار مرتکب

رفتار مرتکب در این جرم فعل مثبت مادی و خارجی است و جرم مذکور با ترک فعل محقق نمی‌شود. این فعل مثبت مادی عبارتست از «ربودن» که مستلزم استیلا یافتن بر انسان و نقل مکان دادن او از محلی به محل دیگر است. ماده ۶۲۱ ق.م.ا در مورد نحوه انجام عمل آدمربایی مصادیقی را ذکر کرده که عبارتند از: ربودن از طریق اعمال عنف، تهدید یا حيله، البته این مصادیق جنبه تمثیلی دارند، چون در قسمت دیگر ماده، عبارت «یا به هر نحو دیگری» آورده شده است که شامل مصادیق دیگر از قبیل بی‌هوش کردن، مستی و... می‌شود. از مهم‌ترین خصوصیتی که برای فعل مرتکب می‌توان در نظر گرفت، آن است که ربودن باید به صورت غیرقانونی انجام شود. بنابراین، در کلیه مواردی که کسی در مقام اعمال حق یا تکلیف قانونی خود

۱. برای مطالعه نظر مخالف مراجعه کنید به: گلدوزیان، ایرج، *محصای قانون مجازات اسلامی*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۶، ص ۳۵۸.

مرتکب جرم شود؛ برای مثال، کسی که با داشتن حکم جلب از طرف مقامات صلاحیت‌دار اقدام به دستگیری متهم و انتقال او از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر جهت محاکمه وی می‌کند، عمل وی آدم‌ربایی نخواهد بود (حبیب‌زاده، ۱۳۸۳: ۴۹).

۲-۳-۱-۲- موضوع جرم (فعل ربایند)

موضوع جرم آدم‌ربایی، انسان زنده است. این موجود انسانی با توجه به اطلاق عبارت «شخصی» در ماده ۶۲۱ ق.م.ا. شامل تمام اشخاص می‌شود، و جنسیت و سن تأثیری در ماهیت این جرم ندارد، و فقط در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا آسیب جسمی و حیثیتی به وی وارد شود، برابر ماده ۶۲۱، مجازات مرتکب، حداکثر مجازات قانونی خواهد بود. از طرف دیگر نظر به این‌که هدف قانون‌گذار از وضع مقررات مربوط به آدم‌ربایی حمایت از آزادی تن اشخاص است، طبیعتاً فردی که فوت کرده و دیگر اهلیت آزادی را از دست داده و دیگر شخص محسوب نمی‌شود، هم‌چنین با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی، می‌توان گفت که ربودن شخص مرده یا مقتول تخصصاً از قلمرو شمول این ماده خارج است. (صبری، ۱۳۷۹: ۴۸)

۲-۲- علق و جهات تشدید مجازات آدم‌ربایی

همان‌طور که در ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مقرر شده است: «در صورتی که سن مجنی‌علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی‌علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد.»

۲-۲-۱- سن مجنی‌علیه

علت این‌که قانون‌گذار، صغر سن را یکی از علل تشدید مجازات قرار داده است، آن است که شخص صغیر و کم سن و سال، نیاز به حمایت بیشتری دارد و ربودن او آسیب فراوانی بر وی وارد می‌سازد. بنابراین، تعیین سن، به عنوان جهتی برای تشدید به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر اطفال در مقایسه با بالغین و وضعیت آن‌ها در

مقام دفاع از خود و فقدان تجربه کافی برای دفع مخاطرات و امثال آن‌هاست (آقای نیا، ۱۳۸۶: ۱۸۲). البته بهتر بود به سایر موارد آسیب‌پذیری قربانی، مثلاً عقب‌ماندگی ذهنی نیز اشاره می‌شد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۶: ۴۹۸).

۲-۲-۲- استفاده از وسیله نقلیه

استفاده از وسیله نقلیه از جهات تشدید مجازات است و علت آن تسهیل و تسریعی است که چنین وسایلی در وقوع جرم ایجاد می‌کنند. آدم‌ربایی از شمار جرایمی است که نوع وسیله نقلیه ارتكابی در ماهیت آن مؤثر نیست و فقط می‌توانند در میزان مجازات مرتکب اثرگذار باشد. وسیله نقلیه در ماده ۶۲۱ ق.م.ا بیشتر منصرف به وسیله نقلیه موتوری می‌باشد، اما اطلاق آن در این‌جا شامل وسیله نقلیه موتوری یا غیر موتوری (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۲۱۷) و اعم از وسیله نقلیه زمینی، دریایی یا هوایی می‌باشد. (آقای نیا، ۱۳۸۶: ۱۸۲)

۲-۲-۳- ایراد آسیب و صدمه به مجنی‌علیه

۱- ۲-۲-۳- آسیب جسمی

آسیب جسمی گر چه ظهور در آسیب بدنی دارد، اما ظاهراً آسیب روحی و روانی را هم در برمی‌گیرد. آسیبی که به مجنی‌علیه وارد می‌شود، گاهی بر اثر عملیات آدم‌ربایی است، مانند این‌که مجنی‌علیه در مقابل آدم‌ربایی مقاومت کند و آسیبی به او برسد و گاهی آدم‌ربا به قصد اذیت و آزار مجنی‌علیه، آسیبی به او وارد کند که ظاهراً ماده ۶۲۱ ق.م.ا همه این صورت‌ها را در برمی‌گیرد، اما باید توجه داشت که آسیب در نتیجه آدم‌ربایی به قربانی وارد شود، به عبارت دیگر، بین این دو رابطه سببیت موجود می‌باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۷: ۴۹۸). بنابراین اگر مجنی‌علیه در محل اختفای خود اقدام به خودکشی کند یا برای فرار، خود را از جایی پرت کند، مشمول این عنوان نشده نخواهد بود، اما اگر بر اثر ربودن و مخفی کردن و عدم تغذیه صحیح آسیبی به او برسد، موجب تشدید مجازات خواهد بود.

۲- ۲-۲-۳- آسیب حیثیتی

آسیب حیثیتی به معنای آن است که آبرو و حیثیت مجنی‌علیه در معرض تضییع قرار گیرد و این آسیب معمولاً در مواردی که مجنی‌علیه پسر بچه‌ای یا از جنس مؤنث باشد، مفروض دانسته می‌شود، اما در موارد دیگر باید چنین آسیبی از سوی مجنی‌علیه به اثبات برسد. آسیب حیثیتی شامل ارتکاب جرایم اعم از هتک ناموس، تقبیل، مضاجعه، هم‌بستری و تفخیز است، ولی صرف اظهار موهن و یا دعوت به این جرایم را نمی‌توان آسیب حیثیتی قلمداد کرد.^۱

۲-۳- ربودن طفل تازه متولد شده (نوزاد ربایی)

یکی از مهم‌ترین صور خاص آدم‌ربایی «ربودن طفل تازه متولد شده» است؛ که در ماده ۶۳۱ ق.م.ا پیش‌بینی گردیده است. براساس این ماده: «هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد، و چنان‌چه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده، مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد». با توجه به این ماده، برای تحقق جرم ربودن طفل تازه متولد شده چند شرط لازم است:

- ۱- در این جرم نیز مانند آدم‌ربایی به معنای عام کلمه، رفتار مرتکب، فعل مثبت مادی و خارجی است، نه ترک فعل، و این فعل مثبت مادی همان «ربودن» است.
- ۲- موضوع این جرم، مطلق اطفال نیست، بلکه اطفال تازه متولد شده است. منظور از طفل تازه متولد شده، طفلی است که هنوز مدت زیادی از تولد او نگذشته باشد و به آسانی قابل تشخیص از سایر اطفال نباشد. (گلدوزیان، ۱۳۸۶: ۲۱۱)
- علت این‌که قانون‌گذار واژه «دزدیدن» را به جای «ربودن» برای طفل به کار برده است، در حالی‌که دزدیدن معمولاً برای ربودن مال به کار می‌رود، آن است که نوزاد به دلیل ناتوانی از حرکت و دفاع در حکم مال می‌باشد، هر چند ممکن است قانون‌گذار به این تفاوت توجهی نداشته و همان آدم‌ربایی را ارائه کرده باشد، زیرا این دو واژه به جای یکدیگر نیز به کار می‌روند. (زراعت، بی‌تا: ۳۵۰)

۱. برای دیدن نظر مخالف رجوع کنید، گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چاپ نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۰۱.

۱-۳-۲- تفاوت آدم‌ربایی و نوزادربایی

۱. قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۹۲، دو ماده را به موضوع آدم‌ربایی و نوزاد ربایی اختصاص داده است. این دو جرم با وجود این‌که از نظر ماهیت یکسان هستند، اما از نظر مجازات متفاوت می‌باشند.

۲. موضوع این جرم، طفل تازه متولد شده است که سلب آزادی تن و یا عدم رضایت مجنی علیه به لحاظ شرایط سنی منتفی است و شاید به همین دلایل و نیز انتفای آسیب‌های حیثیتی باشد که مجازات نوزاد ربایی و اخفای آن سبک‌تر از آدم‌ربایی و اخفای شخص، تعیین شده باشد. هر چند قائل به تفصیل شدن میان انسان‌ها در ربایش و اخفا معقول و مقبول نیست.

۳. جرم دزدیدن و یا اخفای طفل تازه متولد شده از ناحیه هر کس حتی پرستاری که طفل در اختیار آن است امکان‌پذیر می‌باشد، مگر والدین، ولی قلمداد کردن طفل به جای دیگری و متعلق به زن دیگری از سوی والدین طفل نیز متصور است.

۴. عناوین مجرمانه دزدیدن، اخفا و یا قلمداد کردن در مورد طفل مرده نیز امکان‌پذیر است، ولی مجازات مرتکب به جای شش ماه تا سه سال حبس، جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال خواهد بود.

۵. برخلاف ماده ۶۲۱ قانون مجازات اسلامی، در جرم نوزاد ربایی یا اخفای طفل، انگیزه شرط نیست. (تدین، ۱۳۹۱)

۴-۲- تفاوت جرم توقیف و بازداشت غیرقانونی با جرم آدم‌ربایی

از جرائم دیگر برضد آزادی اشخاص که همراه با خشونت و عنف انجام می‌گیرد، جرم توقیف، حبس و بازداشت غیرقانونی است. اعلامیه‌های جهانی مربوط به حقوق بشر و قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف، احترام به آزادی اشخاص را مورد توجه قرار داده و ضمانت اجرای کیفری را نسبت به موارد نقض آن مورد توجه قرار داده‌اند.

ماده ۵۸۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مقرر می‌دارد: «هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقام صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند، یا عنفاً در محلی مخفی نماید، به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد». جرم موضوع این ماده شباهت زیادی با جرم آدم‌ربایی دارد. بنابراین ممکن است در مواردی میان دو جرم اشتباه شود؛ اما تفاوت‌هایی میان آنها وجود دارد که در ذیل توضیح داده می‌شود:

۱- ماده ۵۸۳ ق.م.ا مرتکب جرم را مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح دانسته است که اگر چنین باشد، تفاوت آن با جرم آدم‌ربایی که از سوی افراد عادی صورت می‌گیرد روشن است؛ اما عبارت «یا غیر آنها» که به دنبال مأمورین دولتی آمده است، شمول این ماده نسبت به افراد عادی را تقویت می‌کند. (گلدوزیان، ۱۳۹۰: ۲۲۴)

۲- به فرض آن‌که ماده ۵۸۳ ق.م.ا را شامل افراد عادی نیز بدانیم، می‌توان از نظر عنصر مادی، میان این دو جرم تفکیک کرد، بدین صورت که ماده ۵۸۳، مخصوص مواردی می‌باشد که سلب آزادی تن به عنوان اجرای قانون صورت گیرد، بلکه هدف نامشروعی هم‌چون اخاذی و یا تجاوز جنسی و نظایر آن در پس آن نهفته است و مرتکب، ادعای قانونی بودن عمل خود را ندارد، بر خلاف ماده ۵۸۳ که مرتکب با سوء استفاده از موقعیت خود، اقدام به چنین عملی می‌کند.

۳- عبارتهای «جلب، توقیف، حبس» که در ماده ۵۸۳ بیان شده است، عرفاً با آدم‌ربایی تفاوت دارند؛ اما عبارت «عنفاً در محلی مخفی نماید» که در ماده ۵۸۳ بیان شده است، با عبارت «مخفی کند» که در ماده ۶۲۱ آمده است، شباهت دارد و از این جهت ممکن است موجب خلط آنها شود که برای این تمایز باید به همان ملاک‌هایی که در بالا ذکر کردیم توجه داشت.

۴- جرم آدم‌ربایی معمولاً به صورت مخفیانه و دور از چشم دیگران صورت می‌گیرد، در حالی که جرم توقیف و بازداشت غیرقانونی به صورت اداری و علنی صورت می‌گیرد. (گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۱۹۹)

۵-۲- تفاوت جرم گروگان‌گیری با جرم آدم‌ربایی

گروگان‌گیری جرمی است که با هدف واداشتن شخص ثالث به ارتکاب یا عدم ارتکاب رفتاری، از دیر باز مورد توجه مجرمان بوده است، این جرم از جمله جرائمی است، که علاوه بر تعرض به آزادی جسمانی اشخاص، باعث صدمات شدید روحی به آنان می‌شود.

در حقوق و رویه قضایی ایران، تعریفی از جرم گروگان‌گیری ارائه نشده است. برخی با بیان گروگان‌گیری ذیل عنوان «آدم‌ربایی» گروگان‌گیری را اصطلاحی عامیانه دانسته‌اند که دارای مفاهیم مختلفی است (آقایی‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۳). هر چند در این نکته تردید وجود ندارد که آدم‌ربایی یکی از شبیه‌ترین جرایم به جرم گروگان‌گیری است. با این وجود نمی‌توان این دو جرم را کاملاً منطبق بر هم دانست.

با این حال وجه فارق این دو جرم را می‌توان رکن روانی آنها دانست (حیب زاده، ۱۳۹۶: ۵۰). به عنوان مثال در آدم‌ربایی، صرف این‌که مرتکب، قصد مطالبه‌ی وجه یا مال یا سایر موارد مذکور را داشته باشد، برای ارتکاب جرم کافی است حتی اگر در عمل، مال و وجه مورد نظر را نتواند به دست بیاورد.

در گروگان‌گیری نیز انگیزه‌ی خاص این جرم «قصد وادار کردن شخص ثالثی جهت انجام یا پرهیز از انجام اقدامی» است. در واقع همان‌طور که در حقوق کشورهای دیگر هم بیان شده، گروگان‌گیری با هدف وادار کردن شخص ثالث است.

همین مسئله یکی از جهات افتراق این جرم، با جرم آدم‌ربایی در حقوق ایران و سایر کشورها است. در حالی که هدف اصلی در گروگان‌گیری، وادار کردن شخص ثالث به انجام یا عدم انجام رفتاری است، ولی آدم‌ربایی می‌تواند با هدف اخاذی اقتصادی از خود قربانی جرم (یعنی شخص ربوده شده) نیز اتفاق بیفتد. فرق دیگری که از این نظر بین گروگان‌گیری و آدم‌ربایی وجود دارد، این است که در آدم‌ربایی، شخص ربوده شده، هدف اصلی جرم است. به عنوان مثال، برخی تحقیقات این مسئله را نشان می‌دهند که در بسیاری از موارد آدم‌ربایی، شخص ربوده شده، توسط مرتکبان جرم تحت آزار و اذیت قرار گرفته است. در حالی که در گروگان‌گیری، شخصی که به گروگان گرفته شده، تنها وسیله‌ای برای دستیابی به هدف مورد نظر مرتکب جرم است. نتیجه این‌که می‌توان این‌گونه بیان کرد، که بر خلاف آدم‌ربایی که در آن دو مفهوم بزه‌کار و بزه‌دیده، بازیگران اصلی آن هستند، در گروگان‌گیری، علاوه بر بزه‌کار و بزه‌دیده، شخص ثالثی نیز در این فرایند دخالت دارد، که این شخص ثالث در بسیاری موارد تأثیر زیادی در زنده ماندن بزه‌دیدگان این جرم دارد. (حبیب‌زاده، ۱۳۹۶: ۶۲)

۳- نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث ارائه شده در این مقاله می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

- ۱- آدم‌ربایی از زمره‌ی جرایم **آنی** و مقید به نتیجه می‌باشد. آنی از این جهت که تحقق آن متوقف به گذر زمان نیست، و مقید از این جهت که سلب آزادی تن نتیجه‌ای است که از طرف این جرم به دست می‌آید، بر خلاف جرم توقیف و حبس غیرقانونی که از جمله جرایم مستمر و مطلق می‌باشد.
- ۲- از لحاظ رکن روانی آدم‌ربایی در چارچوب جرایم عمدی قرار دارد، چنان‌که سوء نیت عام آن عبارتست از قصد استیلا بر مجنی‌علیه و سوء نیت خاص آن عبارتست از قصد سلب آزادی تن مجنی‌علیه.
- ۳- در جرم آدم‌ربایی، انگیزه مرتکب هرچند خوب و شرافتمندانه باشد، برخلاف قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳، تأثیری در ماهیت این جرم

نداشته و عنصر روانی جرم را زایل نمی‌کند و فقط موجب تخفیف مجازات آن می‌شود.

۴- هر چند رویه‌ی قضایی ماده ۶۲۱ و ۶۳۱ ق.م.ا را به عنوان تنها عنصر قانونی آدم‌ربایی به رسمیت شناخته و اعتنایی به قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب ۱۳۵۳ ندارد، لیکن به گونه‌ای که تطبیق داده شده برخی از مواد این قانون که ناظر به مواردی چون ناپدید سازی و صدمات روحی است، به علت خلأ حاکم بر ماده ۶۲۱ ق.م.ا. (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) همچنان به قوت خود باقی است.

۵- کمتر بودن مجازات نوزادربایی پیش‌بینی شده در ماده ۶۳۱ ق.م.ا. با سیاست حمایت بیشتر از کودکان هم سویی ندارد.

۶- آدم‌ربایی در فقه اسلامی از جمله جرایمی که در قالب عناوین عام تعزیرات و افساد فی الارض بیان شده است و در مواردی نیز در مبحث سرقت و غصب آمده است.

منابع

- ۱- آقای نیما، حسین، (۱۳۸۶)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- ۲- -----، -----، (۱۳۸۷)، *جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)*، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- ۳- ابن قدامه، عبدالله بن احمد، (بی‌تا)، *الکافی فی فقه ابن حنبل*، بیروت، دار التراث.
- ۴- تدین، عباس، (۱۳۹۱)، *بررسی تغییرات و نوآوری لایحه قانون مجازات اسلامی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دور اندیشان.
- ۵- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۵)، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ هفتم، تهران، گنج دانش.
- ۶- حبیب‌زاده، محمدجعفر، رحیمی‌نژاد، اسماعیل، (۱۳۸۳)، *جرم آدم‌ربایی در حقوق ایران*، مجله دادرسی، سال یازدهم، شماره ۴۳، تهران.
- ۷- حبیب‌زاده، محمدجعفر، (۱۳۹۶)، *ضمانت اجرای کیفری گروگان‌گیری در حقوق ایران*، پژوهش حقوق کیفری، شماره ۱۹.

- ۸- حرعاملی، محمدبن سن، (بی تا)، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۹- حسین جانی، بهمین، (۱۳۸۲)، *حقوق جزای اختصاصی*، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات دادیار نسل نیکان.
- ۱۰- حسینی شیرازی، سیدمحمد، (۱۹۸۸م)، *الفقه (کتاب الغصب)*، جلد ۷۸، چاپ دوم، بیروت، دارالعلوم.
- ۱۱- زراعت، عباس، (بی تا)، *حقوق جزای اختصاصی*، جرایم علیه اشخاص، قم، انتشارات فکرسازان.
- ۱۲- -----، (۱۳۸۵)، *حقوق جزای اختصاصی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات فکرسازان.
- ۱۳- شیخ طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۱۱ ه.ق)، *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*، جلد ۲۳، چاپ اول، مؤسسه فقه الشیعه.
- ۱۴- عاملی جبعی، زین الدین (شهید ثانی)، (بی تا)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، جلد ۹، قم، انتشارات داوری.
- ۱۵- صبری، نورمحمد، (۱۳۷۹)، *ساده ساز حقوق جزای عمومی*، چاپ سوم، تهران، نشر میزان.
- ۱۶- علامه حلی، حسن بن یوسف، (بی تا)، *قواعد الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام*، سلسله الینابیع الفقهیه.
- ۱۷- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۹۷)، *حقوق جزای اختصاصی*، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۸- موسوی خویی، سیدابوالقاسم، (۱۴۲۲ ه.ق)، *مبانی تکملة المنهاج*، جلد ۴۱، قم، مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- ۱۹- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۶)، *جرایم علیه اشخاص*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۲۰- نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۷)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، جلد ۴۱، چاپ سوم، تهران، المکتبه الاسلامیه.